



صرف فعل ماضی و مضارع

یَفْعَلُ	←	هُوَ فَعَلَ	←	۱- مفرد	} مذکر	غائب	
یَفْعَلَانِ	←	هُمَا	←	۲- مثن			
یَفْعَلُوا	←	هُمْ	←	۳- جمع			
تَفْعَلُ	←	هِيَ	←	۴- مفرد			} مؤنث
تَفْعَلَانِ	←	هُمَا	←	۵- مثن			
یَفْعَلُنَّ	←	هُنَّ	←	۶- جمع			
تَفْعَلُ	←	أَنْتَ	←	۷- مفرد	} مذکر	} مخاطب	
تَفْعَلَانِ	←	أَنْتُمَا	←	۸- مثن			
تَفْعَلُوا	←	أَنْتُمْ	←	۹- جمع			
تَفْعَلِی	←	أَنْتِ	←	۱۰- مفرد	} مؤنث		
تَفْعَلَانِ	←	أَنْتُمَا	←	۱۱- مثن			
تَفْعَلُنَّ	←	أَنْتُنَّ	←	۱۲- جمع			



در صرف فعل مضارع

توجه به **عین الفعل**

بسیار مهم است.

أَفْعَلُ	←	أَنَا	←	۱۳- وَحْدَهُ	} مُتَكَلِّم
نَفْعَلُ	←	نَحْنُ	←	۱۴- مَعَ الْغَيْرِ	

معنی	عین الفعل	فعل	ردیف	معنی	عین الفعل	فعل	ردیف
پرسید - سوال کرد	ـَ	سأل	۲۳	آفرید - خلق کرد	ـُ	خلق	۱
غمگین شد - ناراحت شد	ـَ	حزن	۲۴	یاد کرد	ـُ	ذكر	۲
حفظ کرد	ـَ	حفظ	۲۵	بالا بُرد - برداشت	ـَ	رفع	۳
احساس کرد	ـُ	شعر	۲۶	شُست	ـَ	غسل	۴
ساخت	ـَ	صنع	۲۷	نوشت	ـُ	کتب	۵
زد	ـَ	ضرب	۲۸	دنبال گشت	ـَ	بحث	۶
عبور کرد	ـُ	عبر	۲۹	درو کرد	ـُ	حصد	۷
شناخت - دانست	ـَ	عرف	۳۰	بیرون رفت - خارج شد	ـُ	خرج	۸
رفت	ـَ	ذهب	۳۱	داخل شد - وارد شد	ـُ	دخل	۹
بُرید - قطع کرد	ـَ	قطع	۳۲	برگشت	ـَ	رجع	۱۰
پوشید	ـَ	لبس	۳۳	کاشت	ـَ	زرع	۱۱
اجازه داد	ـَ	سمح	۳۴	سالم ماند	ـَ	سلم	۱۲
دانست	ـَ	علم	۳۵	شنید - گوش کرد	ـَ	سمع	۱۳
انداخت	ـَ	قذف	۳۶	بالا رفت - صعود کرد	ـَ	صعد	۱۴
نگاه کرد	ـُ	نظر	۳۷	کوبید	ـُ	طرق	۱۵
فرار کرد	ـُ	هرب	۳۸	باز کرد - گشود	ـَ	فتح	۱۶
خواست - درخواست کرد	ـُ	طلب	۳۹	نزدیک شد	ـُ	قرب	۱۷
انجام داد - کار کرد	ـَ	عمل	۴۰	فرمانروا شد	ـَ	ملك	۱۸
قبول کرد - پذیرفت	ـَ	قبل	۴۱	بازی کرد	ـَ	لعب	۱۹
پشیمان شد	ـَ	ندم	۴۲	هلاک شد - نابود شد	ـَ	هلك	۲۰
خواند	ـَ	قرأ	۴۳	نشست	ـَ	جلس	۲۱
شروع کرد	ـَ	بدأ	۴۴	جمع کرد	ـَ	جمع	۲۲